

سنت و نوآوری

جدال با زمان

رومان مایترا

آیا زبان طراحی
رقص مذهبی مندی
می‌تواند
برای دنیای مدرن
الهام بخش باشد؟



شهره‌شناسگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

شانالا شیوا اینکابا،
در لحظه‌ای از رقص کوچیودی،
شکلی از رقص باهار اناپتام
که در سال ۱۹۹۵
در آندراپرادش اجرا شد

رقص سنتی هندوها، دنیایی را برای ما تصویر می‌کند که در مواقع حادی به دور از درک و احساس ماست. این رقص، در اصل با دو الهه بزرگ آیین هندو، شیوا و کریشنا ارتباط تنگاتنگ دارد و به عنوان یک آیین مذهبی برای دلجویی از آنان طراحی شده است. در رساله قدیمی باهاراتیا - ناتیاشاسترا (رساله طریقت رقص باهاراتا)، رقص سنتی هندی، چون پیشکشی به پروردگار، تزکیه روح، راهی به سوی رستگاری و بیان حالتی خدایی به وسیله جسم انسانی توصیف شده است.

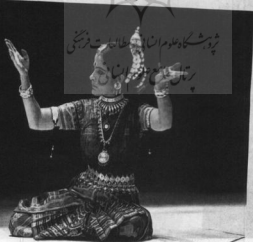
حالت جسمی رقص کلاسیک هندی، ظرافتش، زیبایی مقارن حرکاتش، همگی تجربه‌ای منقلب کننده را به وجود می‌آورند. فرد رقصنده با پیروی از ریتمهای پیچیده، حرکات پر پیچ و خمی را به نمایش می‌گذارد که در حانتهای بی زمان، به اوج می‌رسند. رقصنده در این حالت چون مجسمه‌ای به نظر می‌رسد، همانند جاری شدن غسل غلیظ بر غسل.

شورانگیز و معنوی

رقص کلاسیک هندی، همزمان هم شورانگیز است و هم معنوی. بدن متحرک، هستی جاودانی را با تعالی بخشیدن به احساسات بیان می‌کند. باهاراتا در رساله‌اش نوشته است که رقص باید بعد از دعا شروع شود. رقص سرشار از فروتنی است. آواز در سینه حبس می‌شود، حالت (باوا) فقط به وسیله نگاه بیان می‌شود. زمان (تالا) به وسیله پد نگاه به دنبال دستان، روح به دنبال نگاه و حالت به دنبال روح است. سپس شور و حال پدید می‌آید (رازا). گویی که تماشاچی همدلی این هیجان را احساس می‌کند یا به عبارت بهتر این شور و هیجان در درون آن فرد بازتاب می‌یابد.

کوهاری آدایل، والی استار رقص باهاراتیا، شکلی از رقص کلاسیک نمایش، جنوب هند (۱۹۹۵)

شبه شاه علوم انسانی
پرتال اطلاع رسانی
مطالعات فرهنگی



تماشای شکلهای کلاسیک رقص همچون، باهاراتا ناتیام، اودیسی یا کاتااک، همان اندازه آینه‌هایی هستند که وجود معنوی، نفس را برایش منعکس می‌کنند. در رقص کلاسیک، رقص خالص (نرتیا) با مجموعه حرکات میمیک یا تغییراتی (نرتیتایا) تفاوت دارد. رقصنده در تفسیر نمایش (آیینایا) تمام بدن را به کار می‌گیرد اما عمدتاً دستان و صورت را با دو شیوه تفسیر واقع گرا (لوکادارمی) یا سپه گرا (ناتیادارمی) به کار می‌برد. از طریق این شیوه آخری است که بیان تخیلی به وجود می‌آید، که برای فرد علاقه‌مند (رازیکا)، لذت زیباشناسی ایجاد می‌کند.

بالاساراسواتی، رقاصه افسانه‌ای باراتانایتام، بر این باور بود که خویشتن داری و بزرگ منشی جوهر آیینایا (تفسیر نمایشی) را تشکیل می‌دهد. حتی در لبخند صادقانه، حرکات لها نزدیکی فاصله را نشان می‌دهد و در نهایت شکفتن، جدی بین حرکات چشمها وجود دارد و حتی در گرماگریم این حرکات، رقصنده بالاته را ثابت نگه می‌دارد و فقط به وسیله دستان و صورت منظورش را بیان می‌کند. در این شایستگی و هبیت است که باراتانایتام، ویژگی مقدسش را به دست می‌آورد.

بی حرکت در زمان

بر خلاف نقاشی، مجسمه سازی یا تئاتر، فرم‌های اصلی رقص در هند امروزی، هنوز دیگرگونی لازم را نیافته‌اند. رقاصان هندی، طی قرن‌ها به بازآفرینی ترفندهای «کریشنا» و حالات باستانگونه نایکاکاها (قهرمانان زن) پرداخته‌اند. چرا رقص هندی بازتاب دهنده زندگی معاصر نیست؟

شاید بدین دلیل است که این رقص ذاتاً خارج از زمان قرار دارد. برخلاف طراحی رقص غربی امروزی که ساختار افقی فضا را اشغال می‌کند، رقص سنتی هندی در امتداد محور عمودی اجرا می‌شود. واژگان فشرده حرکات رقص هندی سایه لازم برای کاوش آزادانه فضا را ندارد. بلکه بیشتر الهام بخش حرکت در زمان است. از زمان موزون گرفته تا حالت‌های بی‌زمان. اگر فرهنگ مسلط رقص در هند امروز بخواهد سرزندگی و شادابی خلاقه پیدا کند، طراحی رقص هندی باید به تعریف دوباره برخی از ارزشهایش بپردازد. به پیشواز خلاقیت‌های آزادانه بی‌رو و به ترکیب‌های نوین دست یابد.

برخی از رقاصان و طراحان رقص که مستقلاً کار می‌کنند، تلاش کرده‌اند که پلی بین سنت‌های گذشته و تجربه زندگی امروز بسازند. برخی به دنبال مجموعه‌های نوین رفته‌اند و برخی دیگر هنوز از فرم‌های متعدد رقص عامه پسند هند الهام می‌گیرند و بالاخره گروهی قصد دارند که آمیزه‌ای از رقص‌های هندی و غربی به وجود آورند.

تعداد این افراد بسیار اندک است اما می‌شود به وجود آنان امیدوار بود که روح ابدی رقص هندی در سال‌های آتی، بدون آنکه سراسواتی یا گان‌شا از جایگاهشان برانداخته شوند، با خلاقیت‌های فردی غنای بیشتری پیدا کند. همچنانکه اجراکنندگان رقص هندی با ظرافت بسیار بدنشان را به حرکت در می‌آورند، طراحان رقص سنتی کبونی هم باید اطمینان بیشتری داشته باشند.

راست، ماهاکال (احمدیار زمان)، یک رقص هندی امروزی که از آیین هند و الهام گرفته شده است. طراحی رقص از چاندرا لیکا (۱۹۹۵).

صفحه مقابل پاییز، رقص به سبک باهار اتانیتام که به افتخار شیوا در یک معبد نامیل نامیو اجرا شده است.

شانتانا شیوا لیکایا و وامپای راوی شانکار، گنار استادشان وامپای چینا ساتام، در حال اجرای رقص کوچیودی.

رومن مایترا
روزنامه نگار و منتقد هندی که متخصص هنرهای تجسمی و رقص است.

